

مونا فرجاد و خواهرش مارال فرجاد از بازیگران سینما و تلویزیون ایران هستند. مونا فارغ التحصیل رشته اقتصاد نظری است و فعالیت حرفه‌ای و هنری خود را در مقام بازیگر از سال ۱۳۸۲ با بازی در سریال «مزرعه آفتابگردان» شروع کرد. او که علاوه بر بازیگری در کار دوبله نیز فعالیت دارد از دوسالگی با بازی در مجموعه «بهاران» (محصول ۱۳۶۵) به‌همراه جلیل فرجاد، پدرش، بازیگری را شروع و کم‌کم در چندین فیلم و سریال نقش کودک را ایفا کرد. مونا فرجاد که این روزها در فضای مجازی به اجرای نمایش «مونولوگ» مشغول است در گفت‌وگو با «ایران» درباره شرایط این روزهای تئاتر می‌گوید: «هنرهای نمایشی همچنان طرفدارهای خود را دارد و من مطمئن هستم که بعد از کرونا هم، تئاتر تماشاجی هایش را از دست نخواهد داد.» او در بخشی دیگر از این گفت‌وگو درباره شکل‌گیری ایده «مونولوگ»‌هایی که در صفحه اینستاگرامش منتشر می‌کند، می‌گوید: «با یکی از دوستانم همفکری کردم و به این نتیجه رسیدیم که مونولوگ کار کنیم. برخی مونولوگ‌های موجود درجه یک هستند ولی هم بارها کار شده‌اند و هم هزینه‌بر هستند. با خودمان گفتیم کاری کنیم که هم ادامه‌دار باشد و هم ارزش آموزشی داشته باشد. بعد فکر کردیم چه چیزی بهتر از حروف الفبا؟ قرار شد براساس لغات عامیانه بنویسیم که هم بعضی‌شان دارد فراموش می‌شود هم می‌تواند همه‌پسند باشد فقط تئاترین‌های قهار مخاطبش نباشند.» گفت‌وگوی ما با این بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر را در ادامه می‌خوانید.

■ در این دوران که کرونا فعالیت‌های هنری را تقریباً به حالت تعلیق درآورده شما چه کردید و چگونه گذرانید؟

بعد از شیوع کرونا من هم مثل بقیه افراد جامعه فکر می‌کردم یک مسأله‌ای است که چند ماهی درگیر آن هستیم و خوشبین بودم که در چند ماه آینده از بین می‌رود و همه چیز به روال سابق بازمی‌گردد ولی حالا مشاهده می‌کنیم قریب به یک سال و نیم است که کرونا در بین ما وجود دارد و خیلی از کارها و مشاغل مختلف و حتی شرایط زندگی نه تنها ما، بلکه تمام دنیا تحت تأثیر کرونا قرار گرفته است. آنقدر این موضوع پیچیده و ناشناخته است که من جرأت این را نداشتم‌ام کاری را قبول کنم و مشغول شوم و ریسک آن را بپذیرم. شما حتماً می‌دانید که بازیگرها جزو اقشاری هستند که به هیچ عنوان نمی‌توانند ماسک بزنند. وقتی می‌خواهند جلوی دوربین بروند و در صحنه بازی کنند نمی‌توانند از ماسک روی صورت استفاده کنند. بقیه افراد برای حفظ سلامت خود و دیگران می‌توانند ماسک بزنند اما ما بازیگرها ناچاریم که روی صحنه از زدن ماسک امتناع کنیم و خطر ابتلا به این بیماری برای ما چندین برابر می‌شود. به همین دلیل با وجود پیشنهادهای کاری که داشتم، سر کار نرفتم و بازی نکردم و فقط در سال گذشته یک فیلم سینمایی را جنوب کار کردم که ۹۵ درصد لوکیشن‌ها خارجی بود و البته تعداد نفرات گروه هم کم بودند. با این حال باز هم ریسک داشت و من ریسک آن را بپذیرفتم و سر صحنه بازی رفتم که شکرگزارم برای کسی اتفاقی نیفتاد.

■ ایده طرح تک‌گویی‌هایی که در اینستاگرام به اشتراک می‌گذارید از کجا آمد و فکر می‌کنید تا چه اندازه می‌تواند مفید باشد؟

طبق گفته‌هایم نمایش بازی نمی‌کردم و بشدت دلنتگ تئاتر بودم و همچنان هم هستم و فکر کردم خیلی‌ها هستند که مثل من دلنتگ دیدن نمایش‌اند. با خود

اندیشیدم که چه کارهایی می‌توانم انجام دهم که دلنتگی‌ام تا حدودی رفع شود و به این نتیجه رسیدم که امروزه بیشتر افراد جامعه در شبکه‌های مجازی و اینترنت حضور دارند و می‌شود در فضاهایی مثل اینستاگرام که توسط آن می‌شود با دنیای دیگری براحتی ارتباط برقرار کرد فعالیت بیشتری داشته باشم. هر شخصی که یک صفحه اینستاگرام دارد مانند این است که رسانه‌ای را در اختیار دارد. من فکر کردم که می‌توانم این مونولوگ‌ها را از طریق رسانه شخصی خودم با دیگران به اشتراک بگذارم. به‌خاطر کرونا و رعایت پروتکل‌ها هیچ همکار دیگری نمی‌توانستم داشته باشم چون هر همکاری به مثابه یک خطر است. بنابراین به این فکر افتادم که چه کاری می‌توانم انجام دهم که به تنهایی از پس آن بربیایم. از بین مونولوگ‌هایی که در بازار وجود دارد و به انتشار رسیده است، آنهایی که درجه یک هستند بارها و بارها کار شده‌اند و تعدادی از آنها بودند که با سلیقه شخصی من یکی نبودند به همین دلیل سراغ آنها نرفتم. در نهایت به سراغ آثار مونولوگ و نمایشنامه‌های کلاسیکی رفتم که مخاطب آنها، مخاطب تئاتر بودند و ترجیح دادم حالا که می‌خواهم آن را در صفحه اینستاگرام به نمایش بگذارم تک‌گویی‌ها و مونولوگ‌هایی باشند که با عموم مردم بتواند ارتباط بیشتری برقرار کند.

■ ایده فرهنگ لغت از کجا آمد؟

وقتی که در این مورد با دوست نویسنده‌ام صحبت کردم، به پیشنهاد ایشان به این نتیجه رسیدیم که بهتر است این تک‌گویی‌ها براساس فرهنگ و لغات عامیانه‌ای باشد که امروز به دست فراموشی سپرده شده‌اند. خیلی از ما با این تک‌گویی‌ها و فرهنگشان آشنایی نداریم که در دل خود خاصیت آموزشی نیز دارند که علاوه بر یادآوری این فرهنگ و لغات، آموزش‌هایی هم در پی دارند. این کار را براساس حروف الفبا

انتخاب کردم که بتواند ۳۲ تک‌گویی مجزا کار شود که البته زحمت نوشتن آن را دوست نویسنده‌ام به عهده گرفت.

■ برای پرداخت به این طرح از ایده تا پرورش و پرداخت چه مراحل را طی کردید؟

اینستاگرام به نمایش بگذارم تک‌گویی‌ها خودمان با استفاده از موبایل شخصی یک برداشت است که البته در فضای خانه خودمان با استفاده از موبایل شخصی خودم فیلمبرداری می‌شود البته یکی از تک‌گویی‌ها(ث و ص) در منزل دوستم بود و یکی دو تا از نمایش‌ها هم در منزل

امیدوارم هر چه زودتر با انجام واکسیناسیون همگانی، کروناز میان ما برود و ما به زندگی عادی و واقعی بازگردیم و سالن‌های تئاتر باز شوند تا لذت کار گروهی تئاتر و سینما را دوباره حس کنیم.

با این همه خود من به عنوان مثال با برگزاری کلاس‌های آنلاین موافقم زیرا عزیزی که در شهرهای دیگر هستند می‌توانند از این روند استفاده مفید و در کلاس‌ها شرکت کنند

«امیرحسین انصافی» تهیه شدند و به ایشان زحمت دادم و با همکاری ایشان ضبط کردیم.

■ به نظر شما این جور تجربه‌ها بعد از پسا کرونا هم ادامه خواهد داشت؟ مانند نمایشنامه‌نویسی‌ها، فعالیت‌های مجازی در عرصه تئاتر و غیره یا فقط مقتضیات زمان خاصی است و بعد از کرونا ادامه نخواهد داشت؟

امیدوارم هر چه زودتر با انجام واکسیناسیون همگانی، کرونا از میان ما برود و ما به زندگی عادی و واقعی بازگردیم و سالن‌های تئاتر باز شوند تا لذت کار گروهی تئاتر و سینما را دوباره حس کنیم. با این همه خود من به‌عنوان مثال با برگزاری کلاس‌های آنلاین موافقم زیرا عزیزی که در شهرهای دیگر هستند می‌توانند از این روند استفاده مفید و در کلاس‌ها شرکت

با مونا فرجاد که این روزها روی اینستاگرامش «مونولوگ» اجرا می‌کند

# ما تشنه زندگی اجتماعی هستیم

کنند.

■ فکر می‌کنید چه زمانی می‌توانید خودتان را راضی کنید تا به تئاتر و سینما برگردید؟

در مورد تئاتر مطمئنم که کار نمی‌کنم چون نمی‌توانم ماسک بزنم. اصلاً به دوستانی که کار می‌کنند خرده نمی‌گیرم و فقط دارم درباره خودم می‌گویم. نسبت به سلامت اطرافیانم که بیماری زمینه‌ای دارند احساس مسئولیت می‌کنم و این باعث می‌شود که تئاتر بازی نکنم. اگر یک فیلم خوب پیشنهاد شود ممکن است بپذیرم. من جرأت نمی‌کردم که در این مدت حتی نمایش ببینم، چه برسد به اینکه اجرا کنم. از طرفی دلنتگ کار کردن بودم. فکر کردم شاید آدم‌های دیگری مثل من هستند که به هر دلیلی نمی‌توانند نمایش ببینند بنابراین این ایده را اجرا کردم.

■ شما فکر می‌کنید کی این شرایط برای خود شما مهیا شود که به فعالیت هنری خود در دنیای واقعی ادامه دهید؟

گمان می‌کنم همه ما تشنه زندگی اجتماعی هستیم و وقتی که واکسیناسیون انجام شود یک آرامش روانی در جامعه به وجود می‌آید و دوباره افرادی که همیشه دغدغه تئاتر و سینما داشته‌اند مجدداً به سالن‌ها می‌روند که البته نیازمند تبلیغات گسترده‌تری در این زمینه است. به نظر من تئاتر آنلاین می‌تواند فرصت خوبی برای این موضوع باشد که در روزگار کرونایی بتوان از تئاتر لذت برد و البته که نیازمند کمک‌رسانی و یاری بخش‌های دولتی و خصوصی

است، چون به هر حال نیازمند دوربین، نور و تجهیزات و تمهیداتی است که هزینه گزافی برای آن باید پرداخت کرد و ممکن است با بودجه یک تئاتر به صورت شخصی همخوانی نداشته باشد.

■ آینده تئاتر را پس از گذران این روزها چگونه می‌بینید؟

به‌نظر من در سال‌های اخیر مردم بیشتری جذب تئاتر شدند. وجود سالن‌های خصوصی و تعداد تئاترهایی که اجرا شده طبیعتاً کمک می‌کند برای اینکه فرصت بیشتری برای انتخاب وجود داشته باشد و افراد بتوانند با توجه به سلیقه خود، تئاتری را که دوست دارند تماشا کنند. من شنیده‌ام که برخی می‌گویند تئاتر حتی دیگر بازیگر و ... هم ندارد. حرف اشتباهی است. اتفاقاً تئاتر بازیگر دارد اعم از بازیگران با تجربه یا بازیگران جوان و جویای نامی که کارهای تازه و متنوعی انجام می‌دهند که قبلاً شناخته شده نبودند، اما این فرضیه که از دانشگاه با کلاس‌های آموزشی فارغ‌التحصیل شوی و گمان کنی که حالا یک بازیگر هستی کاملاً اشتباه است چرا که من معتقدم بازیگری یک تمرینی است که باید همیشگی باشد و در مسیر آن تجربه کسب کرد و آدم‌ها پله پله بالا بروند. مگر استعدادهای خارق‌العاده و عجیب که کم هم نیستند، اما اینکه هر کس یک بار روی صحنه برود و گمان کند که بازیگر است اشتباه است.

■ چند هنر تعاملی در کشور ما جا افتاده است؟ چه باید‌ها و نبایدها و استانداردهایی

دارد؟

ما همیشه منتقد تئاتر و سینما داریم که به‌صورت حرفه‌ای برای کارهای مختلف نقد می‌نویسند. حتی اگر به سایت‌های فروش بلیت توجه کنید طی سال‌های اخیر در این سایت‌ها جایی برای نظرسنجی از مردم و مخاطبان مهیا شده که منتقدان آن تئاتر و فیلم بتوانند در این بخش نظرات خود را وارد کنند و دیگران می‌توانند این نقدها را مطالعه کنند، اما کامنت‌ها در فضای مجازی بلافاصله در دید عموم قرار می‌گیرند لذا بیشتر به چشم می‌آیند و هیچ استاندارد خاصی هم برای انتشار آن وجود ندارد و نمی‌توان به کسی گفت چرا فلان کامنت را گذاشته‌ای. به‌همین دلیل هر پستی با هر مضمون و محتوایی در صفحات مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود. به‌نظرم افراد باید این قابلیت و پتانسیل را داشته باشند که دیدگاه‌های مثبت یا نقدهای منفی را بپذیرا باشند، البته بخشی هم وجود دارد شامل فحاشی و توهین که برای هیچکس جذاب نیست و فکر نمی‌کنم کسی دوست داشته باشد با چنین کامنت‌هایی برخورد کند. در مورد هر کاری، بعضی از آدم‌ها می‌توانند موافق و برخی مخالف باشند که مسأله واضحی است اما فکر می‌کنم وقتی کسی کاری را انجام می‌دهد در ابتدا خودش باید به درستی آن کار ایمان داشته باشد و همیشه نظر مخالف وجود دارد و ما نمی‌توانیم جلوی دیگران را بگیریم.

## بهرمندی از اقتضات زمانی یا نجات تئاتر ایران

درآمدی داشته باشند که بتوانند سرپلند و افتخار آفرین بتوانند از مشکلات مالی‌شان بکاهند... حتی این آزمون و خطا به شکل کارآمدی می‌تواند در دوران پسا کرونا نیز در خدمت تئاتر باشد چنانچه بتوانیم تئاتر زنده در صحنه را هم برای مخاطبان حضوری عرضه کنیم و هم از طریق پخش زنده بتوانیم آن را در اختیار علاقه‌مندان دیگر شهرها و حتی کشورهای خارجی قرار دهیم و دیگر برای ندیدن تئاترهای مهم دنیا له‌له نزنیم. چرا نباید این امکان فراهم نشود؟ مگر ما از دیدن ویتسک امبرضا کوهستانی که در آلمان داشت اجرا می‌شد و توانستیم آن را به شکل برخط در فضای مجازی ببینیم، لذت نبرده‌ایم؟ خب همین می‌تواند برای بسیاری از اجراهای ما و حتی کارهای شناخته شده بین‌المللی نیز اتفاق بیفتد و خواه ناخواه مزه اجرای صحنه را نداشته باشد اما چندان هم بی‌مزه نیست و گاهی همچنان بازمه است و دست‌کم اینکه ما یک اجرا را از دورست‌ها دیده‌ایم و کمتر حسرت ندیده‌ها را خواهیم خورد.

بسیاری از موارد دیگر هم هست که به مرور زمان شاهد حضورش در فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی خواهیم بود که در اختیار همگان است تا بتوانند براحتی هنرشان را در سطوح فراگیر و بین‌المللی عرضه کنند. چنانچه خواندن نمایشنامه خوانی، اجرای تک‌گویی و آموزش مجازی و خیلی از نکات باز دیگر به مرور زمان دارد به کاربردی‌ترین شکل ممکن خودش برای یافتن کیفیت مطلوب‌تر می‌رسد.

تئاتر و هر پدیده‌ای در دنیا باید که در نهایت با زبان بنیادین زمانه خویشان آغشته شود چنانچه در قرن بیستم توانست در برابر همه پدیده‌های نوین شکل بویاتری ی‌باید. امروز هم همین روال در تئاتر دنیا با تجربیاتی همراه می‌شود که خواه ناخواه تئاتر ایران نیز دچارش شده و از این تجربیات بهترین بهره‌وری را می‌کند و چون بسیاری از نهادهای مرتبط به داد تئاتر نرسیده‌اند همان بهتر که اهالی تئاتر با بهره‌مندی از فضای مطلوب به داد خود برسند و از نداری و نشدن و بین‌بست و دلسردی دور شوند و با عشق و امید راه‌های نرفته را بروند بلکه به اعتبار «روز از نو، روزی از نو» بتوانند برکت تازه‌ای را شامل حال اهالی تئاتر گردانند.



رضا آشفته

منتقد تئاتر

تئاتر ایران همچنان به لحاظ سودمندی از امکانات تکنولوژیک با مقاومت شدیدی روبه‌رو است که خوشبختانه کرونا زمینه ساز اتفاقات مهم‌تر برای شکستن این مقاومت بی‌نتیجه است. اینکه وفادار به سنت‌ها و راه و رسم‌های قدیمی باشیم تا حد زیادی می‌تواند کارساز باشد اما کارسازتر این است که بتوان هر پدیده را با زبان و معیارهای روزش نیز

تئاتر یک هنر اصیل و ریشه دار است که در آغاز قرن بیستم در مواجهه با هنر هفتم یا سینما دچار تحولاتی شد و به مرور زمان در مواجهه با تلویزیون و بعد ویدیو تغییرات و دگرگونی‌های دیگری را در درازنای این قرن تجربه کرد و حالا در قرن بیست و یکم با پیشرفت‌های تکنولوژیک و فراگیری مولتی مدیا و بهره‌مندی از عناصر عصر ارتباطات و اینترنت باز هم با دگرگونی‌های متفاوت‌تری مواجه شده و هر چند کشورها پیشرفته و دارای تئاتر پذیرنده این شرایط و امکانات نوین شده‌اند اما تئاتر ایران همچنان اتکانش به همان ویژگی‌های کهنه و سنتی است که کرونا در برابر آن مقاومت توانست به شکل به ناچار کارساز باشد و حالا در این یکسال و اندی ذره در دیدیم که باید از امکانات تکنولوژی همه برای تمرین، آموزش، تولید، تبلیغات و عرضه هنر تئاتر بهره‌مند شویم و اتفاقاً همه آن مخالفان نیز رفته رفته -حالا با احتیاط یا رادیکال- از موضع خود دست برمی‌دارند و به صف پذیرندگان شرایط نوین می‌پیوندند و دانسته‌اند که تئاتر باید زنده بماند و حالا این شیوه‌های نوین نیز می‌تواند پاسخگوی نیازها و ضرورت‌های روزمان باشد و حتی می‌تواند بیانات تازه‌تر و خلاقه‌تری را برای عرضه تئاتر با یک هنر اختلاطی و تلفیقی را فراهم کند که شاید به نظرشان، این دیگر تئاتر - به همان مفهوم سنتی اش- نباشد و شاید بهتر باشد آن را تئاتر پسادراماتیک بدانیم با عناوین دیگری که می‌تواند زیننده این شرایط نوین باشد. اما به هر تقدیر همه اینها پناهانه‌ها و انگیزه‌های مقتضی‌اند که هم هنرمندان تئاتر بتوانند فعالیت کنند، هم در عرضه هنر‌شان بکوشند و هم همچنان



مهدی حسینی

منتقد تئاتر

## خروج تماشاگر از جایگاه انفعال

اجتماعی قابل تجربه کردن باشد و نقبی به عرصه‌های نامکشوف زیست خصوصی و اجتماعی آدم‌ها بزند.

در ایران امروز با گسترش دانشکده‌های تئاتری، به اجرا درآوردن فرم‌های مختلف نمایشی بیش از پیش ضرورت یافته و اغلب گروه‌های جوان تلاش دارند حرفی تازه در این وادی به ارمغان آورند. یکی از این عرصه‌ها بی‌شک تئاتر تعاملی است که می‌تواند

برای انسان خسته و ملال‌زده ایرانی، یک گریزگاه باشد و محلی برای تخلیل‌ورزی و تعامل با دیگران، حتی همه‌گیری جهانی، این شکل از اجرای تئاتری را وسعت بخشیده و اجراهای آنلاین، این واقعیت را پیش کشیده که دیگر نمی‌توان با مناسبات قدیم و چارچوب‌های تثبیت‌شده، به اجرای تئاتر مبادرت ورزید. ایزوله شدن انسان شهری، تغییر در ذهنیت بشری و پناه بردن به فضای مجازی را ابیعدی عظیم بخشیده است؛ براستی که بار دیگر می‌بایست این موقعیت هراسناک همه‌گیری، این نهیب را بر ما فرود آورد که تئاتر در زمانه انزوا و فاصله، چه هست و چه می‌تواند باشد. پاسخ هر چه باشد نمی‌توان از این حقیقت روشنگرانه به راحتی گذر کرد که ما احتیاج به تغییر در نهاد اجتماعی تئاتر داریم تا شاید بتوان به سلامت از این دوران بلا عبور کرد. حال در گوشه و کنار کشور بار دیگر شاهد هستیم که اجراهای تئاتری از آن کلیشه‌های همیشگی فاصله گرفته و به اجراهایی میدان می‌دهند که با مشارکت تماشاگران شکل می‌یابد. یک تماشاگر فعال که از انفعال دست شسته و اراده دارد که مسیر یک اجرای تئاتری را تغییر و حتی تصحیح کند. دیگر خبری از اقتدار بلامناع کارگردان، بازیگر و نویسنده نیست و این فیگور تماشاگر است که می‌خواهد تعامل کند و سرنوشت یک اجرای تئاتری را به‌دست گیرد. این البته آغاز سحر است و نشانی از گسست‌هایی دارد که در کارکرد اجتماعی تئاتر در حال وقوع است. تئاتر آینده برای دموکراتیک شدن می‌بایست از اسطوره خود خارج شده و با اقرار مختلف اجتماعی به تعامل نشیند.